

جایگاه کالاهای عمومی در نظام اقتصادی اسلام

احمد قربانی*

چکیده

کالاهای عمومی کالاهایی هستند که برای رفع نیازهای حیاتی بشر مورد نیاز هستند و هر دولتی برای جلب رضایت مردم خودش ناچار به تهیه و توزیع عادلانه کالاهای عمومی است. در نظام اقتصادی اسلام نیز اهمیت تأمین کالاهای عمومی برای مردم در روایات مهم شمرده شده است و به عنوان یکی از وظایف حاکمان اسلامی نام برده شده است. هدف مقاله حاضر کشف رویکرد نظام اقتصادی اسلام نسبت به کالاهای عمومی است. ابتدا به توضیح و تعریف و انواع کالاهای عمومی پرداخته شده است و در پایان به برخی از انواع کالاهای عمومی در جامعه بر اساس نظام اقتصادی اسلام اشاره شده است. این کالاها عبارتند از: امنیت، رفاه عمومی و آموزش و پرورش.

کلمات کلیدی: کالاهای عمومی، نظام اقتصادی، اسلام و وظایف دولت، رفاه عمومی.

* دانش پژوه سطح چهار فقه اقتصادی جامعه المصطفی العالمية.

مقدمه

دولت از مهم‌ترین نهادهای بشری است که حضور فعال آن در طول تاریخ زندگی اجتماعی انسان روشن است. هزاران سال است که انسان برای تحقق نظم اجتماعی و سهولت زندگی خود و بهره‌مندی از امنیت داخلی و دفاع در برابر دشمن، نهاد دولت را سامان داده است. اصلی‌ترین هدف حضور و فعالیت دولت اسلامی، زمینه‌سازی تحقق رشد معنوی و گسترش عدالت است و تأمین کالاهای عمومی بارزترین مصداق عدالت در جامعه مسلمانان است. در دیگر مکاتب اقتصادی هدف نظام اقتصادی، گسترش رفاه مادی و توسعه اقتصادی و تأمین کالاهای عمومی است. اگر دولت در اقتصاد حضور می‌یابد به جهت تحقق رفاه مادی و رفع کمبودهای نظام بازار برای تحقق رفاه عمومی است. رفاه مادی با امنیت و رشد تحقق می‌یابد؛ بنابراین باید تمام برنامه‌ریزی‌ها، سازماندی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌ها در اقتصاد اسلامی در جهت تحقق سعادت معنوی و مادی قرار گیرد و دولت نیز در همین مجموعه معنا می‌یابد.

امروزه تمام دولت‌ها خود را موظف به ایجاد کالاهای عمومی خالص می‌دانند. نوع ایجاد آن به صورت تصدی‌گری مستقیم یا واگذاری، بدون گسترش اندازه دولت، به اوضاع بستگی دارد؛ البته در نوع کالاهای عمومی تفاوت‌هایی وجود دارد. برخی از دولت‌ها کالاهای عمومی را در تکمیل اطلاعات، تدوین مقررات، امنیت داخلی و خارجی و آموزش عمومی می‌بینند. دولت اسلامی، آموزش عمومی و فرهنگی و دینی و احیای شعایر دینی و سنت‌های اسلامی را از مهم‌ترین و موردنیازترین موارد می‌داند و وظیفه دارد آن را تحقق ببخشد؛ البته محرومیت از آموزش تخصصی در مدرسه یا دانشگاه چنانچه به عدالت اجتماعی ضربه زند و افراد کم‌درآمد نتوانند از آن استفاده کنند، دولت باید آن‌ها را کمک کند؛ ولی دلیلی بر استفاده ثروتمندان از آموزش تخصصی یا بهداشت به صورت رایگان وجود ندارد. همچنین توسعه علم و تحقیقات

یا انجام امور زیربنایی و عمران شهرها به جز مواردی که به امنیت ارتباط دارد، با همکاری بخش خصوصی صورت می‌گیرد.

از لحاظ تحلیل اقتصادی وظیفه اولیه و اصلی هر حکومتی، چه محلی و چه مرکزی عبارت است از تولید کالاها و خدمات عمومی.

منظور از کالاها و خدمات عمومی محصولات است که تولید آنها مانند هر کالایی مستلزم هزینه است اما مصرف آنها برخلاف کالاهای معمولی معطوف به تملك خصوصی آنها نیست.

از این رو مصرف‌کننده کالای عمومی، هزینه آن را مستقیماً و طی مبادله نمی‌پردازد. استفاده یک فرد از کالای عمومی، افراد دیگر را از مصرف آن محروم نمی‌سازد. کالاها و خدمات عمومی، طیف وسیعی از محصولات را در برمی‌گیرد که مهم‌ترین آنها امنیت و تضمین حقوق و آزادی‌های قانونی افراد از یک سو و کالاهایی؛ مانند پارک‌های عمومی، خیابان‌ها، روشنایی شهرها و غیره از سوی دیگر است. تفکیک میان کالای عمومی و کالای خصوصی در عرصه نظری آسان اما در عمل بسیار مشکل است. از لحاظ نظری همچنان که قبلاً اشاره شد ویژگی برخی از کالاها موجب می‌شود که این‌گونه کالاها را دولت تولید کند. این ویژگی عمدتاً به تقسیم‌ناپذیری کالای عمومی مرتبط است. به این معنا که سهم مصرفی هر فرد را از کل کالای عمومی نمی‌توان معین کرد از این رو هیچ مصرف‌کننده‌ای بهای کالای عمومی را مستقیماً نمی‌پردازد. به عنوان مثال امنیت و روشنایی‌های خیابان‌های عمومی شهر کالاهای عمومی تقسیم‌ناپذیر هستند زیرا مقدار مصرفی افراد از این کالاها را نمی‌توان محاسبه کرد و بهای آنها را متناسب با مقدار مصرفی مطالبه نمود. با این تعریف تعداد اندکی از کالاها را می‌توان عمومی دانست و اکثریت قریب به اتفاق کالاهای تولیدی در جامعه مشمول آن نمی‌شوند اما در عمل همه کالاهای تولید شده از سوی دولت یا بخش خصوصی را با مسامحه می‌توان کالای عمومی

نامید درحالی که اغلب آن‌ها ویژگی متمایزکننده کالای عمومی را ندارند. مخدوش شدن مرز میان کالای عمومی و هرگونه کالای تولید شده از سوی دولت گمراه‌کننده و مشکل‌آفرین است زیرا تأمین مالی تولید کالاهای عمومی ناگزیر از طریق بودجه‌های محلی یا مرکزی باید صورت گیرد درحالی که تولید کالاهای خصوصی حتی اگر دولت تولیدکننده آن‌ها باشد بهتر است در چارچوب روابط بازار رقابتی صورت گیرد.

تعریف کالا

در اصطلاح علم اقتصاد، محصولات و مواد مختلفی که توسط تولیدکننده به بازار عرضه شود و در برابر دریافت پول، یکی از نیازهای انسان را تأمین و رفع کند کالا نام دارد. در نظریه قیمت، کالا اسم عامی است که به محصولات مادی و خدمات معینی موضوعات اساسی تولید و مبادله اطلاق می‌شود. از سویی دیگر گفته می‌شود هر چیزی که بتوان برای جلب نظر و تملک و استفاده یا مصرف به بازار عرضه کرد و قابلیت تأمین یک خواسته یا نیاز را داشته باشد، نوعی از کالا خواهد بود.

سه ویژگی اساسی کالاها را از هم جدا می‌کند:

الف. خواص مادی که ویژگی‌های تولید مصرف کالا را تعیین می‌کند.

ب. زمانی که یک کالا در دسترس قرار می‌گیرد.

ج. محلی که کالا در دسترس قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین تقسیم‌بندی کالا به کالای عمومی و خصوصی است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود.

تعریف کالای عمومی

در علم اقتصاد کالای عمومی کالای است که غیررقابتی و غیرقابل استثناء باشد که گاهی از آن به نام کالای جمعی یا کالای اجتماعی یاد می‌شود، بنابراین کالایی عمومی کالای است که همه از مصرف آن منتفع می‌شوند. به این معنی که مصرف هر فرد، سبب کاهش مصرف سایرین از آن نمی‌شود. پارک، اتوبوس، امنیت و... نمونه‌هایی از کالای عمومی هستند. کالای عمومی باوجودی که برای بسیاری از شهروندان ضروری است، اما بازار و بخش خصوصی، انگیزه کافی برای تولید آن ندارند؛ چراکه ماهیت این نوع کالاها به گونه‌ای است که افراد پس از ساخته‌شدن، حاضر نیستند قیمت آن را بپردازند. (دادگر و محمدی ۱۳۸۶، ص ۲۱۵)

غیررقابتی بودن به این معنی است که مصرف آن کالا توسط یک نفر، دسترسی کالا برای مصرف توسط دیگران را کاهش نمی‌دهد و غیرقابل استثناء بودن یعنی اینکه هیچ‌کس نمی‌تواند مستثنا از استفاده از آن کالا باشد. در جهان واقعی ممکن است هیچ‌چیزی به‌عنوان کالای غیررقابتی و غیرقابل استثناء به‌طور مطلق نباشد.

برای مثال اگر یک فرد یک دکتر را ملاقات کند در اینجا امکان ملاقات دکتر برای فرد دیگر کمتر می‌شود و ممکن است دیگران را از ملاقات آن دکتر محروم کند. ملاقات مکرر دکتر یک کالای خصوصی قابل استثناء و رقابتی می‌شود؛ اما نفس کشیدن، هوا برای دیگران را کاهش نمی‌دهد و مردم نمی‌توانند به‌طور مؤثر مستثنا از استفاده از هوا باشند. بنابراین هوا یک کالای عمومی است، اگرچه به لحاظ اقتصادی ناچیز است.

به لحاظ نموداری، غیررقابتی بودن به این معنی است که هرچند فرد که یک منحنی تقاضا برای کالای عمومی دارند، بنابراین منحنی‌های تقاضای انفرادی به‌طور عمودی جمع می‌شوند تا منحنی تقاضای کل برای کالای عمومی به دست بیاید. این برعکس روش برای استخراج منحنی تقاضای کل برای یک کالای خصوصی است، در اینجا تقاضاهای انفرادی به‌طور افقی جمع می‌شوند.

ویژگی‌های کالای عمومی

برای کالای عمومی دو ویژگی ذکر می‌شود که آن را از کالای خصوصی متمایز می‌سازد:

۱ - رقابت‌ناپذیری

منظور از رقابت‌ناپذیری در کالاها، این است که وقتی این کالاها ارائه می‌شود، ورود فرد جدید، رقیب فرد قبلی محسوب نمی‌گردد؛ اما در کالای خصوصی ورود فرد جدید با مصرف مقدار خاصی از کالا، به نحوی رقیب بقیه محسوب می‌شود. به‌عنوان مثال، استفاده از لباس تولیدی، باعث کم شدن عرضه برای دیگران خواهد شد؛ اما وارد شدن فرد به یک پارک عمومی قبل از پر شدن ظرفیت، مشکلی برای دیگران به وجود نمی‌آورد. (دادگر، اقتصاد بخش عمومی ۱۳۸۶، ص ۱۱۰)

۲ - استثناپذیری

یک فرق اساسی بین کالاها، خصوصی و عمومی امکان یا عدم امکان محروم‌سازی دیگران از کالای موردنظر است؛ یعنی پس از تهیه و عرضه کالای عمومی، هیچ فردی را نمی‌توان از مصرف آن بازداشت. در مورد کالای خصوصی، مالک آن‌ها می‌تواند ادعای استفاده انحصاری کند و لذا استفاده و کسب مطلوبیت مربوط به آن‌ها را منحصراً در اختیار داشته باشد؛ اما ممکن است در مورد کالای عمومی در همه سطوح به راحتی نتوان چنین انحصاری ایجاد کرد؛ برای همین گفته می‌شود کالای عمومی استثناپذیر است. (دادگر، اقتصاد بخش عمومی ۱۳۸۶، ص ۱۰۹)

برای استثناپذیری دو عامل وجود دارد (دادگر ۱۳۸۶، صص ۱۰۹ - ۱۱۰)

۱ - دشواری‌های فنی

ممکن است از لحاظ فنی، امکان منع کردن دیگران از استفاده‌های مربوط به یک کالای عمومی وجود نداشته باشد. دفاع ملی و تلاش برای حفظ امنیت کشور، مورد مشخصی از

کالای عمومی است؛ که دشواری‌های فوق را در خود دارد. امکان محروم ساختن برخی افراد از این کالا، بسیار دشوار و یا غیرممکن است.

۲- هزینه عمل

گاهی ممکن است از لحاظ فنی، زمینه جدا کردن برخی از متقاضیان و محروم ساختن آنان از استفاده کالای عمومی وجود داشته باشد؛ اما کاربرد مذکور پرهزینه است. ممکن است هزینه استثناسازی از کالای عمومی آن قدر بالا باشد که هر نوع منافع حاصل را خنثی ساخته و در نتیجه توجیه قابل قبولی برای آن نباشد.

کالای عمومی خالص و ناخالص

با ترکیب دو ویژگی فوق، انواع کالا و خدمات استخراج می‌شود. اگر کالا و خدمات کاملاً غیرقابل رقابت بوده یا استفاده هم‌زمان مصرف‌کنندگان بدون هیچ تغییری در منافع دیگران ممکن باشد، کالای عمومی خالص خوانده می‌شود (استثنانپذیر و رقابت‌ناپذیر)؛ مانند منافع دفاع ملی، شبکه رادیو و تلویزیون که می‌تواند بدون کاهش منافع دیگران، هم‌زمان برای عده کثیری فراهم باشد. در عوض، بعضی از کالاها هستند که به علت محدودیت سطح پذیرش پس از حدی از مصرف هم‌زمان، افزایش تعداد مصرف‌کنندگان فقط با کاهش در فایده دیگران ممکن می‌گردد این‌گونه کالاها را کالای عمومی ناخالص می‌نامند. خاصیت این‌گونه کالاها به‌گونه‌ای است که استثنانپذیر؛ ولی در مصرف رقابتی هستند. یعنی پس از تکمیل یک ظرفیت خاص مصرفی، اضافه شدن هر فرد دیگر باعث کاهش خدمات برای همه مصرف‌کنندگان می‌گردد. کالاهایی مثل استخر، تئاتر، سیرک، جاده، بزرگراه‌ها و...، وقتی در «مرحله ازدحام» قرار گیرند، نمونه‌هایی از کالاهای عمومی ناخالص هستند؛ برخی کالاهای دیگر هم وجود دارد که استثنانپذیر؛ ولی رقابت‌ناپذیر هستند مانند کالاهای عمومی «قبل ازدحام» (مثل ورزشگاه قبل از پر شدن یا پل قبل از این‌که به مرحله ازدحام برسد) برخی از کالاها هم هستند

که علاوه بر استثنای پذیری، رقابت پذیر هم هستند (مانند کالاهای خصوصی). (پژویان ۱۳۸۵، ص ۳۳).

کالای عمومی و پدیده سوار مجانی

افراد می‌توانند در عین حالی که از منافع کالای عمومی بهره‌مند می‌شوند، در تأمین مالی هزینه‌های اصلی آن‌ها سهیم نگردند. در واقع به خاطر خصوصیات کالای عمومی استفاده هر فرد، مزاحم استفاده دیگران نیست؛ برای همین، افراد تمایل دارند که در استفاده از کالا سهیم باشند؛ بدون این که در هزینه‌های آن شرکت کنند. علت اصلی ظهور این پدیده، عدم آشکارسازی ترجیحات ذهنی است. از لحاظ نظری روشن است که این پدیده، در موارد زیادی علت اصلی شکست یا نارسایی بازار در تأمین و ارائه کارآمد کالای عمومی است؛ اما این بدان معنی نیست که نتوان هیچ کالای عمومی را توسط بخش خصوصی ارائه کرد. در تجربیات علمی، شواهدی وجود دارد که تحت آن کالای عمومی، به شکل خصوصی ارائه می‌شود؛ مثلاً گروه‌ها و افرادی که مراکز تحقیقات طبی راه‌اندازی می‌کنند، در بسیاری از موارد، کالای عمومی را به شکل خصوصی ارائه می‌دهند. (دادگر ۱۳۸۶، ص ۱۱۵)

کالای عمومی واسطه‌ای

کالایی است که به صورت نهاده در تولیدات کالاهای دیگر به کار گرفته می‌شود و این خاصیت را دارد که هم‌زمان و بدون رقابت (در شرایطی که ازدحام وجود ندارد)، مورد استفاده قرار گیرد و اما تخصیص آن بدون هزینه به تولیدکننده خاص، عملی نیست (پژویان ۱۳۸۱، ص ۱۸۲).

کالای مرکب یا شبه عمومی

عوامل خارجی پدیده‌ای است که با کالای عمومی ارتباط نزدیک دارد. اگر فعالیت اقتصادی فرد یا مؤسسه‌ای افزون بر منفعت (زیان) فرد یا مؤسسه، موجب ایجاد منفعتی (زیانی) برای

دیگران شود، به این پدیده اصطلاحاً صرفه‌جویی خارجی یا عامل مثبت (منفی) خارجی می‌گویند. منفعت یا زیانی که از این طریق ایجاد می‌شود، غالباً تفکیک‌ناپذیر است و به همین علت قیمت‌گذاری نمی‌شود. (پور مقیم ۱۳۷۰، ص ۴۹) برای مثال، فردی به کمک مایه‌کوبی، از فلج اطفال مصون می‌شود و منافعی به دست می‌آورد. در پی این کار، او هم از منفعتی شخصی برخوردار می‌شود و هم تا زمانی که احتمال ابتلای افرادی را که با او در تماس هستند، کاهش می‌دهد، اثری خارجی نیز ایجاد می‌کند.

امروزه در اکثر کشورها برخی از خدمات عمومی مانند تعلیم و تربیت، بهداشت، اگرچه توسط بخش عمومی تولید می‌شود، اما قسمت قابل‌توجهی از این خدمات با نظارت بخش عمومی به تقاضاکنندگان عرضه می‌شود. به عبارت دیگر، کسانی که امکان پرداخت این بها را نداشته باشند، از استفاده آن‌ها محروم می‌شوند.

ابعاد گوناگون کالاهای عمومی

۱ - باوجودی که همه افراد به یک مقدار مساوی از کالاهای عمومی مصرف می‌کنند، ولی مصرف این کالاها به‌طور مساوی ارزش‌گذاری نمی‌شود.

۲ - طبقه‌بندی کالاهای عمومی یک موضوع مطلق نیست؛ بلکه بستگی به شرایط بازار و وضعیت فناوری دارد.

۳ - تعدادی از چیزهایی که به آن‌ها کالای عمومی گفته نمی‌شود، ویژگی‌های کالای عمومی را دارند؛ مانند درست‌کاری و توزیع عادلانه درآمد که مصرف آن‌ها رقابت‌پذیر و استثنایپذیر است.

۴ - برخی کالاهای خصوصی لزوماً به‌صورت انحصاری توسط بخش خصوصی تهیه نمی‌شود؛ مثل خدمات پزشکی و خانه‌سازی.

- ۵- تهیه کالا توسط بخش خصوصی، لزوماً به این معنی نیست که آن کالا هم توسط بخش عمومی تولید می‌شود؛ مثل جمع‌آوری زباله؛ زیرا امکان حصر در پرداخت هزینه وجود دارد.
- ۶- امکان مخالفت از بهره‌مندی و بهره‌وری سایرین از کالای عمومی وجود ندارد.
- ۷- تصور استثنای پذیری، غالباً با کالای عمومی در ارتباط است. (شیخی بدون تاریخ، ص ۲۳۷)

تقسیم‌بندی کالای عمومی از نظر ملی و محلی

بسیاری از کالاهای عمومی در اختیار مصرف همگان نبوده و فقط برای عده‌ای مطلوبیت خالص مثبت خواهند داشت. این محدودیت، به دلیل مکان قرار گرفتن کالای عمومی است. برای مثال اتوبان تهران کرج در اختیار ساکنان کرمان نبوده و برای آنان مطلوبیتی مستقیم ایجاد نمی‌کند. (پژویان ۱۳۸۱، ص ۱۷۹)

الف - کالا و خدمات عمومی که جنبه ملی دارد؛ مانند دفاع ملی، شبکه‌های سراسری تلویزیون و رادیو، مقررات تجاری، جزایی و... از جمله مواردی هستند که فواید آن‌ها شامل کلیه افراد جامعه در سطح ملی می‌شود.

ب - کالا و خدمات عمومی که دو جنبه ملی و محلی را دارا هستند؛ این دسته پی‌آمدهای خارجی مثبت اقتصادی دارند؛ ولی منافع شخصی آن به وسیله اهالی محلی یا استان جمع‌آوری می‌شوند. عمده‌ترین این موارد، شامل خدمات آموزشی و بهداشتی است.

ج - کالا و خدمات عمومی که جنبه محلی دارند؛ این قسم شامل مواردی است که تقریباً عمده فواید کالا و خدمات جنبه محلی داشته و به وسیله اهالی منطقه و محله جمع‌آوری می‌شوند. پارک‌ها، ایستگاه‌های آتش‌نشانی، جاده‌ها و خیابان‌های درون شهری و بین روستاها و... از این دسته‌اند.

روشن است که شرط تولید «بهینه» کالای عمومی، شامل کالای عمومی محلی نیز خواهد شد. برای ایجاد یک کالای عمومی، تنها ابعاد آن مورد نظر نیست، بلکه محل و موقعیت کالای عمومی نیز مطلوب و مورد توجه است. نکته دیگر که برای موقعیت مکانی کالای عمومی مطرح می‌شود، جابه‌جایی و مهاجرت اشخاص به محله‌هایی است که کالا و خدمات عمومی عرضه شده در آن از دید افراد مطلوب باشد.

تعریف کالای خصوصی

کالای خصوصی برخلاف کالای عمومی، یعنی رقابتی و قابل استثناء است برای مثال یک قرص نان یک کالای خصوصی است، تعلق آن می‌تواند دیگران را از استفاده از آن محروم کند و با مصرف یک‌بار آن دیگر نمی‌تواند دوباره استفاده شود.

مثال‌های از کالاهای عمومی

مثال‌های مرسوم از کالاهای عمومی عبارت‌اند از: امور دفاعی و امنیت و اجرای قانون (شامل سیستم حقوق داری)، امور آتش‌نشانی عمومی، برق منازل، هوای پاک و کالاهای محیطی دیگر و کالاهای اطلاعاتی، از قبیل توسعه نرم‌افزار، نویسندگی (تألیف)، اختراع، رادیو و تلویزیون، دفاع ملی، یارانه‌ها، محیط‌زیست سالم، آموزش و پرورش، بهداشت عمومی، بورسیه‌های دانشگاهی، رفاه و آسایش عمومی، آب سالم، غذای سالم، دانش و فن‌آوری، صلح، صدقات و...

پیشرفت‌های فناوریانه می‌تواند کالاهای عمومی جدیدی ایجاد کند. ساده‌ترین مثال‌ها روشنایی خیابان‌ها هستند که نسبتاً از اختراعات اخیر هستند. یک لذت شخصی از آن‌ها لذت اشخاص دیگر را کاهش نمی‌دهد. از جهت دیگر، یک وضعیت کالای عمومی ممکن است در طول زمان تغییر کند. پیشرفت فنی (تکنولوژیکی) می‌تواند به لحاظ معناداری روی استثناء پذیری کالاهای عمومی سنتی اثر گذارد.

کالاهای عمومی در نظام اقتصادی اسلام

۱- امنیت

امنیت را می‌توان مهم‌ترین کالای عمومی در تمامی کشورهای دنیا در نظر گرفت که خود نشانگر و شاخص بسیاری مسائل به‌صورت نهفته در خود است. به عبارتی اگر در کشوری امنیت داخلی و آرامش روانی شهروندان تأمین بشود می‌توان آن دولت و حاکمیت را موفق ارزیابی نمود، زیرا امنیت کالایی است عمومی و چندوجهی. امنیت در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی قابل تعریف است. عدم دسترسی افراد جامعه به امنیت به‌عنوان یک کالای عمومی و مهم، موجب احساس عدم مطلوبیت در آن‌ها شده و لذا آن‌ها احساس خواهند کرد که سطح رفاهشان پایین آمده است و بدین ترتیب سطح رفاه جامعه پایین خواهد آمد. اینکه سرمایه‌گذاری در کشوری افت کرده و سرمایه‌ها از بورس و دیگر بخش‌های اقتصادی خارج بشوند و به خارج از کشور یا به بخش‌های غیرمولد اقتصاد هدایت شوند ناشی از احساس عدم اطمینان و امنیت افراد در یک کشور است، هم‌چنین آمار فرار مغزها در یک کشور شاخص دیگری برای بهره‌مندی شهروندان آن کشور از کالای امنیت است. شاخص‌هایی دیگر نظیر، بهداشت، اعتیاد و سو مصرف مواد، فحشا، مهاجرت به شهرها و حاشیه‌نشینی، شاخص فساد و... می‌توانند تا حدود زیادی نشانگر توفیق دولت‌ها در عمل به وظایف و اهداف ذاتی خود باشند.

امام علی علیه‌السلام درباره امنیت می‌فرماید:

هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست. (تمیمی آمدی ۱۴۱۰ ق، ج ۶، ص ۴۳۵)

بدترین وطن‌ها جایی است که ساکنان آن در آنجا در امان نباشند. (تمیمی آمدی ۱۴۱۰ ق،

ج ۴، ص ۱۷۱)

بدترین سرزمین‌ها، سرزمینی است که در آن امنیت و ارزانی نباشد. (تمیمی آمدی ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۶۵)

راه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است (تمیمی آمدی ۱۴۱۰ ق، ج ۴، ص ۱۶۵).

۲- رفاه عمومی

در نظام اقتصادی اسلام یکی دیگر از کالاهای عمومی، رفاه عمومی افراد یک جامعه است. رفاه در ضمن توسعه و رشد حاصل می‌شود، یعنی اگر جامعه‌ای توسعه و رشد لازم را فراهم کرده باشد، به دنبال آن رفاه نیز به وجود می‌آید. از مطالعه آیات و روایات مربوط به بحث بسیار روشن به دست می‌آید که نظام اقتصادی اسلام تنها درصدد رفع نیازهای ضروری بشر نیست و با تأمین آن‌ها کار خداوند را تمام شده نمی‌داند، بلکه درصدد تأمین رفاه بشر است.

خداوند نعمت‌های بی‌شماری را در اختیار انسان قرار داده که از آن‌ها بهره‌گیرد.

«قل من حرم زینة الله اللّتی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق.» (قرآن، اعراف،

۳۲) (بگو چه کسی زینت خداوند را که برای بندگانش (از زمین) بیرون آورده و

روزی‌های پاک را حرام کرده است؟)

و امیرالمؤمنین (ع) نیز در وصف متقین می‌فرماید: «همانا متقین بهره‌دنیای نقد و آخرت آینده را بردند، با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، ولی اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. در دنیا به بهترین نوع مسکن گرفتند و به بهترین وجه خوردند. از دنیا به آن‌گونه که مترفین بهره‌مند می‌شوند، استفاده کردند و از آن چیزی را که جابران متکبر برمی‌داشتند، برگرفته‌اند.» سپس از آن با توشه کافی و تجارب سودمند بیرون رفتند. هم‌چنین در روایتی از معصوم (ع) نقل شده است که فرمود: «نعم المال الصالح للعبد الصالح. چه نیکوست مال شایسته برای بنده شایسته». (مجلسی دوم ۱۴۰۳ ق، ج ۷۰، ص ۵۲)

قرآن هدف خلقت برخی از چهارپایان را رفاه عمومی مردم شمرده است.

«وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ* وَ لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ* وَ تَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغَيْهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَّحِيمٌ* وَالْخَيْلَ وَ الْبِغَالَ وَ الْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَ زِينَةً وَ يَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (قرآن، نحل، ۵- ۸) (و چهار پایان را آفرید درحالی که برای شما در آن‌ها وسیله پوشش و منافع دیگر است و از گوشت آن‌ها می‌خورید و در آن‌ها برای شما زینت و شکوه است به هنگامی که به استراحتگاهشان بازمی‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) آن‌ها را به صحرا می‌فرستید. آن‌ها بارهای سنگین شمارا به شهری که جز با مشقت زیاد به آن نمی‌رسید حمل می‌کنند چرا که پروردگارتان رؤوف و رحیم است و همچنین اسب‌ها و استرها و الاغ‌ها را آفرید تا بر آن‌ها سوار شوید و هم مایه زینت شما باشد و چیزها - وسایل نقلیه دیگری - می‌آفریند که شما نمی‌دانید!

با این حال گاه در آیاتی رفاه و افزایش نعمت موجب سرکشی و طغیان انسان‌ها دانسته شده: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» که مخالفت قرآن با رفاه از آن متبادر است؛ اما در مقابل، وعده خداوند بر افزایش نعمت و برکات خویش در صورت پرهیزکاری و شکرگذاری بر این مهم دلالت دارد که بهره‌مندی از دنیا تا جایی که به سرمستی و رفاه‌زدگی و فراموشی خداوند نینجامد، مطلوب است:

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.» (قرآن، اعراف، ۹۶) (و اگر مردمی که در شهرها و آبادی‌ها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوی‌پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشاییم؛ ولی - آن‌ها حقایق را - تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.)

در روایات معصومین به رفاه و آسایش و راحتی در زندگی اشاره شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید:

پنج چیز است که هر کس یکی از آن‌ها را نداشته باشد، زندگی‌اش همواره مواجه با کاستی، خردش سرگشته و فکرش مشغول است: ۱- تندرستی، ۲- امنیت، ۳- فراخی در روزی، ۴- همدم سازگار...، ۵- رفاه و آسایش که جامع همه این‌ها است (ری شهری، ج ۳، ص ۲۲۱).
در این روایت چهار نعمت اول مقدمه برای امر پنجم (رفاه و آسایش) هستند.
گفتار فراوانی از امام علی (ع) درباره وظیفه دولت در باب تأمین رفاه عمومی داریم که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر «رفاه و گشایش عمومی» را وظیفه حاکم نسبت به مردم می‌شمارند و چنین می‌فرماید:

«فِي اللَّهِ لِكُلِّ سَعَةٍ وَلِكُلِّ عَلَى الْوَالِي حَقٌّ بِقَدْرِ مَا يُصْلِحُهُ.» (سید رضی ۱۴۱۴ ق

- ب) (نزد خدای متعال برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند چندان که امور زندگی آنان را سامان دهد.)

امام علی (ع) هنگامی که حکومت را به دست گرفت «رفاه عمومی» را هدف نظام اقتصادی دولت خود اعلام کرد و به استانداران خود در سرزمین‌های دیگر نیز تأکید می‌کرد که در جهت رفاه عمومی کوشا باشند. حضرت (ع) کوفه آن روز را که در سایه سیاست‌های وی به رفاه عمومی نسبی دست یافته بود چنین معرفی می‌کند.

«مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لَيَأْكُلُ الْبُرَّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ

وَيَشْرَبُ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ.» (مجلسی دوم ۱۴۰۳ ق، ج ۴۰، ص ۳۲۷) (همه مردم کوفه در نعمت و رفاه به سر می‌برند، به طوری که همه از خوراک خوب (نان گندم) مسکن و سرپناه مناسب و آب گوارا استفاده می‌کنند.)

امام علی (ع) کوفه را به لحاظ اقتصادی معرفی می‌کند. در این معرفی اولاً، وضعیت کوفه را به گونه‌ای وصف می‌کند که هیچ فردی را از داشتن امکانات لازم زندگی مستثنا نمی‌کند. ثانیاً نعمت‌های ذکر شده در کلام امام علی (ع) امور مطلوب اقتصادی دانسته شده که به دنبال

پیگیری سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی دولت علوی تحقق یافته است و حضرت در مقام بیان کامیابی‌های اقتصادی، کوفه را چنین معرفی می‌کند، پس این امور که به صورت رفاه عمومی مردم کوفه ذکر شده، هدف اقتصادی دولت علوی بود.

رفاه و آسایش مورد نظر امام(ع) فقط شامل مسلمانان نبود، بلکه به نظر حضرت دولت اسلامی باید حتی رفاه غیرمسلمانان را نیز از اهداف اقتصادی خود قرار دهد. در روایتی نقل شده است که امام علی(ع) پیرمرد از کارافتاده‌ای را که از مردم کمک می‌خواست، دید و از اطرافیان پرسید:

«مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِي فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَ عَجَرَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.» (حر عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵، ص ۶۶) (این چه است؟ گفتند نصرانی است. حضرت فرمود: از او کار کشیدید تا پیر و ناتوان شد و اکنون او را محروم می‌کنید؟ از بیت المال به او کمک کنید.)

حضرت در این بیان تعبیر «ما هذا» آورده است به نظر می‌رسد از دیدن چنین صحنه‌ای ناراحت شده و با ناراحتی می‌پرسد: این چه وضعیتی است؟ نه این که برای حضرت مهم باشد این شخص چه کسی است. مسلمان است یا غیرمسلمان؟ از کدام قبیله و طایفه است؟ بلکه آنچه از نظر حضرت اهمیت داشت، وجود چنین وضعیتی در جامعه اسلامی بود. یعنی اصلاً چنین وضعیتی در جامعه اسلامی نباید وجود داشته باشد و وقتی در پاسخ حضرت گفتند: او نصرانی است، حضرت هیچ اعتنایی به این پاسخ آن‌ها که او نصرانی است، نکرد و فرمود: با کمک گرفتن از بیت‌المال به چنین وضعیتی در جامعه اسلامی پایان دهید، چراکه همه مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان و عرب و غیر عرب باید از امکانات جامعه برای رسیدن به رفاه و آسایش مادی بهره‌مند شوند.

حضرت مهدی با روش عادلانه و تدبیرهایی که در پیش می‌گیرد تمام گنج‌های زمین و امکانات مادی و اقتصادی آن را در اختیار حکومتش درمی‌آورد تا در جهت رفاه و آسایش عمومی بهره‌گیرد و چنانکه در روایتی از پیامبر نقل شده است:

«يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضَ أَفْلَادَ كِبِدِهَا وَيَحْتُو الْمَالَ حَتْوًا وَلَا يَعْدُهُ عَدًّا.» (مجلسی دوم

۱۴۰۳ ق، ج ۵۱، ۶۵) (زمین گنجینه‌های خود را برای او برون اندازد و حضرت مال

فراوان و بی‌شماری بین مردم تقسیم می‌کند.)

بنابراین تأمین رفاه عمومی به‌عنوان یک کالای عمومی از وظایف دولت اسلامی به شمار

می‌آید.

۳ - آموزش و پرورش

یکی دیگر از کالاهای عمومی در جامعه آموزش و پرورش است که دولت اسلامی برای تأمین آن باید تمام تلاش خود را بنماید.

آموزش و پرورش، بالاصالة وظیفه حکومت اسلامی تلقی می‌شود و نقش والدین و خانواده، ثانوی و بالتبع به حساب می‌آید. مبنای این سخن، تغییر خاص است که از اهداف حکومت اسلامی ارائه می‌گردد و بر اساس آن، تشکیل حکومت اسلامی، مبتنی بر یک «فلسفه تربیتی» است و غایات دیگر حکومت اسلامی، از آثار و نتایج این غایت است: «در بررسی آیات قرآن کریم معلوم می‌شود که آموزش و پرورش بخشی از مأموریت‌های دولت اسلامی نیست بلکه بنیاد آن است. «هدایت» فلسفه حکومت دینی است و هدف از تأسیس دولت اسلامی، تربیت مردم» است... تشکیل حکومت بخشی از برنامه جامع دین برای هدایت مردم است و از این رو، حکومت اسلامی به‌جز تربیت هدفی ندارد و هر آنچه به منزل اهداف حکومت تلقی می‌شود، نظیر اجرای احکام الهی و برپایی عدالت، همه نسبت به تربیت وسیله هستند.

«مردم موظف‌اند پیامبر(ص) را در سامان‌دهی زندگی اجتماعی، رهبری جنبش‌ها، تشکیل حکومت، رهبری جامعه، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و مدیریت اجتماع بر خود ترجیح دهند و پیامبر(ص) برای ادامه راهی که گشوده است به انتصاب امامان معصوم به‌طور خاص و علمای فقیه در دین به‌طور عام می‌پردازد؛ در نتیجه مرجعیت اجتماعی و اولویت پیامبر(ص) به جانشینان آن حضرت سرایت می‌کند و دولت اسلامی، از این مرجعیت و اولویت برخوردار می‌شود. بر این اساس دولت اسلامی در تعلیم و تربیت بر خانواده اولویت دارد و در هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزشیابی و اصلاح آموزش و پرورش، مسئولیت اصلی با دولت اسلامی است؛ ولی خانواده نیز که باید نسبت به تکلیف‌های تربیتی خود پاسخگو باشد، نمی‌تواند نسبت به اهداف، برنامه‌ها و اقدامات تربیتی، بی‌توجه باشد، بلکه لازم است بر عملکرد دولت بر حسب قانون امر به معروف، نظارت کند»

بنابراین آموزش و پرورش به‌عنوان یک کالای عمومی، تأمین آن توسط دولت اسلامی لازم و ضروری است.

چون آموزش و پرورش یک کالای عمومی است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحصیل آن برای همگان رایگان شده است.

اصل سی‌ام قانون اساسی

دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به‌طور رایگان گسترش دهد.

نتیجه‌گیری

کالاهای عمومی کالاهایی هستند که به علت دو ویژگی رقابت‌ناپذیری و استثنانپذیری، امکان تولید از سوی بخش خصوصی را ندارند چراکه بنا بر ویژگی رقابت‌ناپذیری، چون مصرف هر فرد از یک کالای عمومی، مانع مصرف افراد دیگر نمی‌شود و به عبارتی، اضافه شدن

مصرف‌کنندگان جدید، هزینه‌های تولید کالاهای عمومی را افزایش نمی‌دهد، افراد این توجیه را دارند که بدون پرداخت هزینه، از این کالاهای عمومی بهره‌مند شوند. هم‌چنین بنا بر ویژگی استثنای پذیري، ماهیت کالاهای عمومی به گونه‌ای است که امکان تفکیک مصرف‌کنندگانی که هزینه تولید کالا را پرداخته‌اند و مصرف‌کنندگانی که در تأمین هزینه‌های آن نقشی نداشته‌اند وجود ندارد و لذا افراد در صورت تمایل، می‌توانند بدون پرداخت هزینه، از مواهب این کالاها برخوردار شوند.

این دو ویژگی عمده، از مواردی است که اقتصاددانان از آن به‌عنوان «شکست بازار» یاد می‌کنند و مداخله دولت را در این امور، ضروری می‌دانند.

حال اگر این ویژگی‌ها، در کالاهایی باشد که جامعه نیاز مبرم به آن‌ها داشته باشد و برای حیات اجتماعی ضروری باشند، این وظیفه دولت است که به تولید و عرضه این کالاها اقدام نماید و از آنجا که بیان شد بخش خصوصی قادر به تأمین این کالاها نیست، لذا می‌توان ادعا کرد، تولید کالاهای عمومی از جمله وظایف ذاتی و اولیه دولت است. چراکه همان‌گونه که بیان شد تولید کالاهای خصوصی از سوی بخش غیردولتی، نیاز جامعه به این کالاها را مرتفع خواهد کرد و لذا دولت مسئولیت چندانی در قبال تولید کالاهای خصوصی نخواهد داشت.

در نظام اقتصادی اسلام نیز تأمین کالاهای عمومی بر عهده حاکم اسلامی قرار داده شده است و یکی از کالاهای عمومی که در اسلام به آن اهمیت زیادی قائل شده امنیت است. که حضرت علی علیه‌السلام درباره آن می‌فرماید: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

یکی دیگر از کالاهای عمومی که تأمین آن بر عهده حاکم اسلامی قرار گرفته است رفاه عمومی تمام افراد جامعه است حضرت علی علیه‌السلام درباره شهر کوفه می‌فرماید: «همه مردم کوفه در نعمت و رفاه به سر می‌برند، به طوری که همه از خوراک خوب (نان گندم) مسکن و سرپناه مناسب و آب گوارا استفاده می‌کنند.»

امام علي (ع) كوفه را به لحاظ اقتصادي معرفي مي‌كند. در اين معرفي اولاً، وضعيت كوفه را به گونه‌اي وصف مي‌كند كه هيچ فردي را از داشتن امكانات لازم زندگي مستثنا نمي‌كند. ثانياً نعمت‌هاي ذكر شده در كلام امام علي(ع) امور مطلوب اقتصادي دانسته شده پس اين امور كه به صورت رفاه عمومي مردم كوفه ذكر شده، هدف اقتصادي دولت علوي بود.

آموزش و پرورش نيز به عنوان يك كالاي عمومي، تأمين آن توسط دولت اسلامي لازم و ضروري است و در قانون اساسي تحصيل آن براي همگان رايگان شده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، اول، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
۴. کالیز، جان و جونز، فیلیپ؛ *مالیه عمومی و انتخاب عمومی*، ترجمه الیاس نادران و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۸۸، جلد اول.
۵. داگر، یدالله و محمدی، تیمور؛ *مبانی و اصول علم اقتصاد*، قم، بوستان کتاب، چاپ چهارم، ۱۳۸۴، ویرایش دوم.
۶. دادگر، یدالله؛ *اقتصاد بخش عمومی*، قم، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۶، چاپ دوم.
۷. پژویان، جمشید؛ *مالیه عمومی و تعیین خط‌مشی دولت‌ها*، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.
۸. پژویان، جمشید؛ *اقتصاد بخش عمومی (هزینه‌های دولت)*، اصفهان، جنگل، ۱۳۸۱، چاپ اول.
۹. پورمقیم، سید جواد؛ *اقتصاد بخش عمومی*، تهران، نی، ۱۳۷۰، چاپ دوم.

۱۰. زنجانی، ولی مقدم و دهقانی، علی؛ *مالیه عمومی و خط‌مشی مالی دولت*، تهران،
ترمه، ۱۳۸۶.
۱۱. شیخی، عبدالمجید؛ *کالای عمومی و لزوم بازشناسی اندازه دولت اسلامی*،
(مجموعه مقالات پنجمین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی) تهران، انتشارات
پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. ماوردی، ابوالحسن علی ابن محمد ابن حیب، *آیین حکمرانی*، ترجمه و تحقیق از
حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، اول، تهران، ۱۳۸۳.
۱۳. رضایی، مجید، *جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد*، مجله اقتصاد اسلامی، سال
چهارم، ۱۳۸۳، شماره ۱۴.
۱۴. محتشم دولتشاهی، طهماسب، *مبانی علم اقتصاد*، تهران، انتشارات خجسته، اول،
۱۳۸۷.
۱۵. بهکیش، محمدمهدی، *اقتصاد چیست*، تهران، نشر نی، دوم، ۱۳۸۱.
۱۶. مردیدی، سیاوش، نوروزی، علیرضا، *فرهنگ اقتصادی*، تهران، مؤسسه کتاب
پیشبرد و انتشارات نگاه، اول، ۱۳۷۳.
- گریگوری، منکیو، *نظریه اقتصاد خرد*، ترجمه ارباب، حمیدرضا، تهران، نشر نی، اول،